



| THE GENDER OF ROSALIND | JAN KOTT | REZA SOROOR |
| جنسیت رزالیند | بیان کات | رضا سرور | تئاتر: نظریه و اجرا (۱۶) |

www.ketab.ir

سرشناسه: کات، یان، ۲۰۰۱-۱۹۱۴ م. Kott, Jan

عنوان و نام پدیدآور: جنسیت رزالیند / یان کات؛ ترجمه رضا، ...
مشخصات نشر: تهران: بیدگل.

مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵ س. م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۰۶-۹۱-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر ترجمه کتاب "The Gender of Mind: Interpretations: Shakespeare, Büchner and Gautier, c1992" و

چندین مقاله است که مترجم گردآوری و ترجمه کرده است.

عنوان دیگر: تفسیرهایی بر آثار شکسپیر، بوخنر و گوتیه.

موضوع: شکسپیر، ویلیام، ۱۶۱۶-۱۵۶۴ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: Shakespeare, William -- Appreciation

موضوع: بوخنر، کارل گئورگ، ۱۸۲۷-۱۸۱۳ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: Büchner, Karl Georg -- Criticism and interpretation

موضوع: گوتیه، تئوفیل، ۱۸۷۲-۱۸۱۱ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: Gautier, Théophile -- Criticism and interpretation

موضوع: هویت جنسی در ادبیات

موضوع: Gender identity in literature

موضوع: رزالیند (شخصیت نمایشی)

موضوع: Rosalind (Fictitious character)

شناسه افزوده: سرور، رضا، ۱۳۵۵ - مترجم

رده بندی کنگره: PR

رده بندی دیویی: ۳۳/۸۲۲

شماره کتاب شناسی ملی: ۵۳۷۰۶۵۸

جنسیت رزالدیند | تفسیرهایی بر اندیشه شیر، پرنده و گیاه

ایان کات

ترجمه رضا سرور

ویرایش: گروه ویرایش بیدگل

نمونه خوان: شیرین افخمی، کیمیا نیک پور

تنظیم صفحات: مرجان نصرتی

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان

مدیر تولید: مصطفی شریفی

چاپ اول | ۱۳۹۷ تهران | ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۰۶-۹۱-۳

Bidgol Publishing Co. |  | نشر بیدگل

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷ | فکس: ۲۸۴۲۱۷۱۸

فروشگاه | تهران | خیابان انقلاب | بین ۱۲ فروردین و فخر رازی | پلاک ۱۲۷۴

تلفن فروشگاه: ۶۶۴۶۳۵۴۵، ۶۶۹۶۳۶۱۷

bidgolpublishing.com |

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

| فهرست |

۱۱	پیشگفتار مترجم
۱۷	مقدمه
۳۱	جنسیت رزالیند
۷۱	سر در ازای بکارت، بکارت در ازای سر
۹۵	گیوتین به مثابه قهرمان تراژیک
۱۲۱	کارگردانان و روح
۱۲۹	چند مقاله دیگر
۱۳۱	پوچی در تراژدی یونان
۱۵۵	چرا آنتیگونه خودش را کشت؟
۱۶۳	نمی توانم راضی باشم
۱۷۷	باتم و پسران
۲۰۷	نماینه

پیشگفتار مترجم |

همان‌گونه که می‌توان از عنوانی مقدمه کات، همچنان معاصر؟، می‌توان حدس زد، این کتاب ادامه منطقی پژوهش‌های پیشین او در کتاب شکسپیر معاصر ماست. اما به‌رغم مشابهت‌های مضامینی و یکتایی رویکردهای سیاسی کات، این دو کتاب به‌لحاظ فرم و روش با یکدیگر متفاوت هستند. دلیل این تفاوت نه در تغییر منش فکری کات بلکه به‌خاطر مهاجرت او به آمریکا و حضورش در محیط دانشگاهی آن سده است. پیش از این مهاجرت ناخواسته که رنگی از تبعید و دیاسپورای لهستانی داشت، او برای نگارش مقالات خویش از تجربه زیسته خود، به‌مثابه معیار برای برگزیدن نظریات تئاتری و سیاسی‌اش، یاری می‌جست. تجربه زیستن در لهستان که شدیدترین جباریت‌های سیاسی، فاشیسم و کمونیسم، را تاب آورده بود و به‌مشاکت فعالش در نهضت مقاومت زیرزمینی و بعدها در جنبش همبستگی، بدو این توانایی را بخشیده بود که به تاریخ، نه به‌مثابه امری انتزاعی بلکه همچون سازوکاری ملموس بنگرد که پیش‌تر، در زندگی روزمره، فشار آن را بر دوش هم‌وطنانش احساس کرده بود؛ در کتاب شکسپیر معاصر ما، که در همین ایام نوشته شده است، به‌کاربردن استعاره پلکان، که مستبدانی چون ریچارد سوم و مکبث از آن بالا می‌روند تا از فراز آن به قعر فراموشی سقوط

کنند، امری اتفاقی نیست، زیرا او ظهور، اوج‌گیری و سقوط بسیاری از رهبران حزب کمونیست را بر پله‌های این پلکان دیده بود. او لبخند شوم مستبدان شکسپیر را از طریق هزاران پرتو متبسم استالین می‌شناخت. («آه، پست فطرت، پست فطرت، ملعون پست فطرت متبسم!») در سرتاسر کتاب‌هایی که کات در این دوران نوشته، شاهد تلاقی تجربه غنی شخصی او با مفاهیم انتزاعی در نظریه تأثیر هستیم. در واقع، تجربه شخصی کات رویکرد تأثیری او را مشخص می‌ساخت و هم بدانها عینیت می‌بخشید. در کتاب‌های شکسپیر معاصر ما و دفتر یادداشت تأثیر (۱۹۶۷-۱۹۴۷) این رویکرد بیش از سایر کتاب‌ها مشهود است، حتی در کتابی چون خاطره بدن نیز که از تبعات نوشته شده، چنین رویکردی دوباره به کار گرفته می‌شود. این گرایش، به سادگی به هم‌کنش تجربه شخصی با مفاهیم انتزاعی، در کتاب همچنان زندگی (در هضم اتوبیوگرافی) به اوج خود می‌رسد و تأییدی است بر این گفته کات: «کتاب با زندگی‌ام را غنی ساخته‌اند و زندگی‌ام، کتاب‌هایم را.»

اما این شیوه از مقاله‌نویسی — به بیان کات نیست و من رد آن را در مقالات بسیاری از نویسندگان و روشنفکران — راز اول بلوک شرق دیده‌ام: میلان کوندرا در مقالاتی که در کتاب‌های «احتمال و وصایای تحریف‌شده» گردآورده است از تجربیات شخصی خویش، که به‌تدریج در میان جستارها آورده، برای تعمیم‌دهی نظریات ادبی خویش بهره می‌گیرد. در کتاب روح پراگ که هم‌وطن او، ایوان کلیما، نوشته است، همین تجربه زیسته، مبنای فهم مقولات عظیم‌تر ادبی و اجتماعی است. بهومیل «رازها» نیز نمونه ممتاز دیگری از به‌کارگیری روایت شخصی به‌عنوان سنجش برای روایات کلان اجتماعی است. جذابیت مقالات سیاسی اسلاونکا دراکولیچ نیز ریشه در همین درآمیختگی‌شان با تجربه شخصی و بیان‌شان در قالب روزنگاشت دارد. ریشارد کاپوشینسکی حتی از این هم فراتر می‌رود و به هنگام تاریخ‌نگاری نه از زاویه سوم‌شخص (یا همان دید تاریخی) بلکه

از مشاهدات عینی خویش در جریان انقلابات و سپس تلاقی دادن آنها با تئوری‌های انقلاب استفاده می‌کند. برایم تعجب‌آور نیست وقتی که می‌بینم از ورای رسالات و تأملات فلسفی لشک کولاکوفسکی، همین روایت اول شخص به گوش می‌رسد. این شیوه از مقاله‌نویسی، که من آن را شیوه اول شخص می‌نامم، شیوه‌ای تجربی است که کارایی نظریات انتزاعی در عرصه ادبیات، فلسفه و سیاست را از طریق همخوانی‌شان با تجربه زیسته معاصر ما ارزیابی می‌کند. اگر این تجربیات اول شخص، که در کتاب‌هایی چون شکسپیر معاصر مایان شده، تا بدین حد در سرتاسر جهان مورد استقبال خوانندگان قرار گرفته، دلیلش آن است که این روایت اول شخص نه تنها بلکه جمع است و تجربه زیستن در هوای اختناق آمیز معاصر، که را به درک ماموس و همذات‌پنداری با آن وامی‌دارد. هنگام خواندن این گونه کتاب‌ها، ضمیر اول شخص جمع جایگزین من راوی می‌شود و کابوس فردی به تجربه جمعی بدل می‌گردد.

در برابر این روایت اول شخص، نظریه پردازانی قرار دارند که صحت و سقم گزاره‌های ادبی و سیاسی را مستقل از وجه تجربی آنها و فقط به اعتبار وجه اثباتی‌شان می‌سنجند، نظریه پردازان و منتقدانی چون پل دومان، هارولد بلوم، کنث تاینان، بنتلی، اسلین ردال، مور، به دسته دوم تعلق دارند، به دسته‌ای که به فراخور تربیت دانشگاهی‌شان روایت سوم شخص و صرفاً تئوریکی را برای بیان نظریات ادبی و تئوریک‌های شار برنر، می‌دانند. در این میان، منتقد و نظریه‌پردازی چون رولان بارت، در نیمه اول راه خویش، و پس از نگارش آثار تئوریکی با روایت سوم شخص (مثلاً کتاب عن سرشت نشانه‌شناسی یا درجه صفر نوشتار) به شیوه روایت اول شخص روی می‌آورد، با نگارش آثاری چون سخن عاشق یا خاطرات سوگواری، روایتی اول شخص از تجربیات و نظرات ادبی خویش را به اشتراک می‌گذارد. بی‌آنکه بخواهم برای هریک از این رویکردها امتیاز ویژه‌ای قائل شوم، قصدم تنها ارائه دسته‌بندی آثار کات بر مبنای این دو نوع روایت در نقد و پژوهش ادبی بود.

که یکی در سنت مقاله‌نویسی بلوک شرق و دیگری در امریکا و بلوک غرب (سابق) ریشه داشت. تحولات ادبی و سیاسی امروزی‌تری تردید مرزهای این دسته‌بندی را، که روزگاری معتبر بودند، درهم نوردیده است.

کتاب حاضر به دوره دوم مقاله‌نویسی کات تعلق دارد، به دورانی که او به دلیل پژوهش‌های آکادمیک خویش در دانشگاه‌های برکلی و ییل فرصت مطالعه عمیق‌تر آثار باختین، استروس، یاکوبسون، بارت و آکان را یافت. حاصل این پژوهش‌های گسترده به دو صورت نمودار شد. دسته اول آثاری بودند که اساساً به موضوعات یا آثاری می‌پرداختند که بیش‌تر در توحه کات قرار نگرفته بودند و اینک او با روش‌شناسی جدید، آنها را مورد تفسیر قرار می‌داد. کتاب‌هایی چون تناول خدایان یا تئاتر مامیت این دسته‌اند. گروه دوم کتاب‌ها و مقالاتی هستند که کات با رویکردی نه‌تنها به بازخوانی درونمایه‌ها و آثاری می‌پرداخت که قبلاً آنها را مورد بررسی قرار داده بود. به عنوان مثال، دیدگاه کات درباره نمایشنامه رؤیای شب نیمه تابستان قبلاً در کتاب شکسپیر معاصر ما بیان شده بود، اما اینک در پرتو آثار باختین، او بار دیگر در یکی از مقالات کتاب ترجمان باتم بدان پرداخته و اندکی بعد، برای سومین بار، در مقاله «باتم و پسران» براساس مطالعات جنسیتی و با رویکردی تاریخ‌گرا، آن را مورد بازنگری قرار داد. واضح است که به‌رغم تفاوت در روش‌شناسی، به دلیل ذهن واحدی که پشت تمامی مقاله‌ها بود، هر سه مقاله نتیجه‌ای همگرا داشتند و درونمایه‌ای یکتا را از زوایای متفاوت و نامنتظره عیان می‌ساختند. به هر حال، حتی در دوره دوم مقاله‌نویسی کات، در آثاری که در قالب گزاره‌های سوم شخص نگاشته شده‌اند، گزاره‌ها بارقه‌هایی از تجربیات شگرف و عمیق کات، چه در تئاتر و چه در زندگی پُر تلاطمش، بیرون می‌جهند و با افکندن نور خویش بر مفاهیم انتزاعی، آنها را ملموس می‌سازند. کات هرگز نتوانست از ریشه‌های لهستانی و تجربیات تلخ پیشین خویش جدا شود («زادگان اکتبر، تا پایان عمر سرما

را در استخوان دارند.»)، کمالینکه خود او در مصاحبه‌ای گفته است که اگر او منتقدی لهستانی نبود، هرگز نمی‌توانست چنین کتاب‌هایی را بنویسد. تجربیات کات، چه در لهستان و چه در تبعید، به دو شکل ظاهر می‌شوند: آنها گاهی در سطح و گاهی نیز در ورای مقالات نهفته‌اند. به عنوان مثال؛ یکی از درونمایه‌های اصلی کتاب حاضر مبدل‌پوشی در آثار شکسپیر است. در طول کتاب، کات به چندین تجربه مستقیم خویش در این خصوص اشاره می‌کند (مثلاً تجربه‌ای در باب ابهام جنسیتی که در استکهلم با آن مواجه شد) اما در مقیاسی کلی‌تر، آیا نمی‌توان چنین اندیشه‌ها را به تجربه خود یان کات، که در تبعید به لباس مبدل یک غریبه در استکهلم برای پرداختن به چنین درونمایه‌ای، چونان دغدغه‌ای ذهنی، برده است؟ آیا امروزه، این تبعیدیان نیستند که به لباس، زبان و آداب مبدل درآمدند و در مقام اقلیت، ناگزیر از درآمدن به جامه مبدل اکثریت هستند؟ آیا این الگوی کلان‌تر مبدل‌پوشی در قالب مطالعات شکسپیری مجال برور یافته است، تکرار چند باره آن در مقالات متأخر کات نمی‌تواند تأکیدی بر حضور پررنگ این دغدغه ذهنی باشد؟

هنگام ترجمه جنسیت رزالی^۱، به مقالات پراکنده‌ای برخورددم که با برخی از درونمایه‌های کتاب مرتبط بودند و پس از تردیدهای فراوان برای دست بردن در ساختار کتاب عاقبت چهار مقاله را بر آن افزودم. آنها همگی یا به موضوع مبدل‌پوشی یا معاصر بودن مرتبط بودند. یکی از آنها، «باتم و پسران»^۲، مرتبط با مبدل‌پوشی در آثار شکسپیر، و سه مقاله دیگر به تراژدی‌های یونان و وجوه معاصر آن می‌پرداختند. مقاله «پوشی در تراژدی یونان»^۳، در اصل، متن سخنرانی کات در کنفرانس «ار سوررنالیسم تا ابزورد» است و آن را می‌توان در حکم تکلمه‌ای بر کتاب تناول خدایان دانست. مقاله «چرا آنتیگونه خودش را کشت؟»^۴، به رغم موجز بودنش، نکات دقیقی را در خصوص گریزناپذیری تقدیر بیان می‌دارد و مقاله «نمی‌توانم راضی باشم»^۵ از این حیث برایم اهمیت داشت که در آن کات

از تجربه خویش به هنگام اجرای اُورسِتِ اوریپید سخن می‌گوید. این مقاله نشان می‌دهد که مقالات کات تا چه حد وجه اجرایی دارند و تنها تفسیر یا نظریه انتزاعی نیستند. پس از ترجمه این چهارمقاله، و برخورد با جهانِ شگفتِ آنها، از چنین دستبردی به کتاب، شادمانم.

ر.س.

پی‌نوشت‌ها:

1. Jan Kott, "Bottom and Boys", *New Theatre Quarterly* (NTQ. 36), 1993, p. 307-315.
2. —, "The Absurd in Greek Tragedy", *Theater Quarterly* (TQ. 1), 1971, p. 3-9.
3. —, "Why Did Antigone Kill Herself?", *New Theatre Quarterly* (NTQ.34), 1993, p. 107-109.
4. —, "I can't Get No satisfaction", *The drama Review* (TDR), XIII, p. 143-149.